

THE RIGHT NOT TO BE PUNISHED: A New Approach to the Application of Criminal Sanctions



Mohammad Reza Elahimanesh

Former Supreme Court Judge and Assistant Professor, North Tehran Azad University, Tehran, Iran
m.elahimanesh92@yahoo.com



Mohsen Moradi

PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, Iran (Corresponding author)
Mohsenmoradi2250@gmail.com



Abstract

Contemporary criminal law, influenced by international criminal law and modern criminological research, has evolved beyond purely punitive sanctions. It increasingly utilizes non-punitive measures—such as rehabilitative, restorative, and administrative processes—as more just and effective alternatives for controlling crime.

In this context, legislatures have granted judicial authorities the discretion to employ non-punitive options instead of resorting to traditional criminal processes with their inherently stigmatizing nature. This approach is grounded in theories of minimal intervention (*ultima ratio*), directing that even when punishment is unavoidable, the least severe sanction should be chosen. This shift underpins the "right not to be punished," a principle that justifies non-punitive interventions in individual liberties. Rooted in philosophical, ethical, and human rights considerations of dignity, this right prioritizes the offender's

Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 3 | Spring and
Summer 2025
(Original Article)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2025.2049454.1138](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049454.1138)


accountability to the victim and promotes effective rehabilitation and resocialization over mere retribution.

In line with this trend, Iranian law has incorporated various mitigating and diversionary institutions. These include the restricted use of pre-trial detention, orders to suspend prosecution, exemptions from punishment, alternatives to imprisonment, and the postponement of sentencing. This article defines the concept and foundations of the "right not to be punished" and examines its manifestations and effects as a novel approach to interpreting and applying these clemency-oriented institutions in judicial practice and precedent.


Keywords: Right Not to Be Punished, Principle of Minimalism, Alternatives to Punishment, Sentencing Policy



حق بر مجازات نشدن؛ رویکردی نوین در کاربست پاسخ‌های کیفری

محمد رضا الهی‌منش 

قاضی پیشین دیوان عالی کشور و استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، تهران، ایران
m.elahimanesh92@yahoo.com

محسن مرادی اوجقاز 

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Mohsenmoradi2250@gmail.com



چکیده

امروزه حقوق کیفری در پرتو تعامل با حقوق بین‌المللی کیفری و تحت تاثیر پژوهش و مطالعات کیفرشناختی و جرم‌شناختی متحول شده به نحوی که می‌توان به جای سازوکار و پاسخ‌های کیفری با توسل به پاسخ‌های غیرکیفری (پاسخ‌های بازپروانه و جبرانی-ترمیمی) و یا با مراجعه به سایر سازوکارها و فرایندهای غیر کیفری (آموزشی، اداری و...) که دارای ویژگی گریز از کیفر هستند به عنوان پاسخ بهتر و عادلانه‌تر به اهداف حقوق کیفری (کنترل بزه و بزهکاری) رسید. از این رو، مقنن با مدنظر قرار دادن نظریه و مبانی توجیه‌کننده عدم مداخله کیفری، اختیاراتی را به مقام قضایی سپرده تا به جای توسل به فرایند کیفری و یا کاربست پاسخ‌هایی کیفری که دارای درجاتی از قدرت سرزنش و

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و

جرم‌شناسی

پژوهشگاه حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۴

(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2025.2049454.1138](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049454.1138)

تحقیر کننده هستند، از فرایندهای غیر کیفری برای پاسخ به جرم استفاده نماید و چنان چه ناگزیر به استفاده از کیفر باشد، به گزینش حداقل کیفر از میان پاسخ های کیفری رهنمون می سازد. از دیگر سو، حق بر مجازات نشدن یکی از دلایل توجیه عدم مداخله کیفری در حقوق و آزادی های فردی به شمار می آید به نحوی که این نهادها و یا پاسخ ها فاقد وصف مجازات و کیفر هستند. این رویکرد با مدنظر قرار دادن کرامت انسانی در اعمال مجازات و حق بر رفتار کرامت مدار که دارای جنبه های گوناگون فلسفی، اخلاقی و حقوق بشری هستند، بیشتر به پاسخگو شدن بزهکار در مقابل بزه دیده و اصلاح و تربیت (بازاجتماعی کردن بزهکار) توجه دارد. در حال حاضر، مقنن با رویکردی نوین نهادهای ارفاقی هم چون عدم کاربست قرار بازداشت موقت جز در موارد ضروری، قرار بایگانی پرونده، معافیت از کیفر، مجازات های جایگزین حبس، تعویق صدور حکم و نظایر آن را پیش بینی نموده است. ما در این نوشتار ضمن بیان مفهوم و مبانی حق بر مجازات نشدن، به بررسی جلوه ها و آثار آن به عنوان رویکردی نوین در تفسیر و کاربست نهادهای کیفری ارفاقی در آراء و روبه قضایی می پردازیم.

کلیدواژه‌ها: حق مجازات نشدن، اصل کمینه‌گرایی، جایگزین‌های مجازات، سیاست کیفردهی

مقدمه

نهاد اجتماعی مانند خانواده، مذهب، حکومت، و... نهادی است که در آن مجموعه‌ای سازمان یافته از رفتارهای اجتماعی تکرار می‌شوند. واکنش‌های کیفری مانند سایر واکنش‌های موجود در نظام حقوقی دارای ابزارهای استقرار یافته‌ای است که به نیازهای خاص، مناسبات، تعارضات و مشکلاتی که مکرراً در جامعه ظهور می‌یابند؛ پاسخ می‌دهند.^۱ مجازات بزهکار حقی است مبتنی بر عدالت که در شریعت اسلام، از مجازات به عنوان ابزاری برای ترتیب و اصلاح افراد بیان شده است.^۲ در تعریف مجازات نوشته‌اند که: الف- مجازات باید بابت قانون شکنی باشد، ب- بر شخصی اعمال شود که قانون شکنی کرده است، پ- از سوی یک مقام صالح یک نظام حقوقی، عامداً وضع و اجرا شود و ت- در بردارنده زیان باشد (بروکس، ۱۳۹۵، ۲۲).^۳ پرسش‌هایی که در اینجا مطرح می‌گردد این که، ملاک و معیار مجازات مرتکبین چیست؛ آیا تمام مجازات‌های مقرر مطابق با کرامت انسانی و عادلانه (موازین انسانی)^۴ هستند؛ چه کسی حق مجازات دارد و میزان

۱. نهاد اجتماعی نیز مانند سایر نهادهای اجتماعی در حوزه‌های خاصی از زندگی جمعی، برای ایجاد یک چارچوب وسیع تر انضباطی شکل گرفته است (جوان جعفری بجنوردی و ساداتی، ۱۳۹۴، ۱۸۵).

۲. به عنوان مثال، مجازات قصاص برای حمایت از افراد جامعه بیان شده است. در مکتب اسلام، همه افراد انسانی با یک دیگر برابر بوده و با توجه به جایگاه والای انسان، هیچ یک بر دیگری حق رجحان ندارد (برای مطالعه بیشتر، رک: الهی منش و مرادی اوجقاز، الف، ۱۳۹۵، ۲۴).

۳. مجازات یک فرایند حقوقی معین است که وجود آن و جهت آن بستگی به سایر عوامل دارد و برای انواع اهداف به کار می‌رود (گارلند، ۱۳۹۶، ۳۵). مجازات باید خطاب به جرم و به نحوی که آن‌ها را خنثی کند. (پی. فلچر، ۱۳۹۴، ۷۴؛ گارلند، ۱۳۹۵، ۳۵)

۴. مجازات‌های قانونی باید دارای چه اوصافی باشد که شکنجه، ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرکننده محسوب نشود؟ در پاسخ به این سوال گفته شده که براساس اعلامیه منع شکنجه و دیگر رفتارهای

مجازات صحیح به چه میزان است؛ آیا اگر رفتاری ممنوع اعلام و برای آن مجازات تعیین شده، صحیح و مطابق با عدالت است و این که آیا در نهایت موجب استقرار نظم و امنیت اجتماعی می‌شوند؛ آیا تمام مراحل و راه حل‌های غیر کیفری قابل پیش بینی منتج به نتیجه نشده و سپس قانون گذار ناگزیر به جرم انگاری گردیده و در حین جرم انگاری تمامی اصول حاکم بر تعیین مجازات رعایت شده است؛ آیا در حال حاضر سخن از حق یا تکلیف بر مجازات کردن جایگاهی دارد؛ رویه قضایی از این اصل پیروی می‌نماید یا این که قانون گذار با تغییر رویکرد درصدد پای بندی در حقوق کیفری بر اصل بر مجازات نشدن/نکردن است؛ آیا قانون گذار ایران در فرایند جرم انگاری، حق بر مجازات نشدن را مدنظر قرار داده است؛ آیا می‌توان آثار و جلوه‌های آن را در حقوق کیفری فعلی ایران مشاهده نمود و یا این که مقنن در فرایند جرم انگاری به اصول مزبور توجهی نداشته است؛ در نهایت آیا می‌توان با مراجعه به آرای قضایی ایران، آثار و جلوه‌های حق بر مجازات نشدن را مشاهده نمود؛ میزان استقبال و پای بندی دادرسی به این رویکرد به چه میزان است و میزان نگرش او در اتخاذ این رویکرد اثر گذار است. در حال حاضر یکی از چالش‌های فرا روی حقوق کیفری عدم مداخله قوای حاکم بر حقوق و آزادی افراد است با این وجود، در صورت مداخله در این قبیل حقوق، آیا در مرحله صدور حکم یا اجرا حکم، دادرسی می‌تواند با ابتدای بر اصل حداقل بودن و یا حق بر مجازات نشدن، امکان محکومیت‌های کیفری و آثار آن را کاهش دهد. مبرهن است که توسل حداقلی به محکومیت‌های کیفری و در مقابل، توسل به پاسخ‌های غیر کیفری از سوی محاکم می

ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۷۵) مجازات‌های قانونی را تا حدی از مفهوم شکنجه مستثنی دانسته است که با قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان (۱۹۵۵) سازگار باشد. مجازات‌های ظالمانه به معنای مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی است. (نجفی ابرندآبادی، ب، ۱۳۸۲).

تواند موجب کاهش جمعیت (ازدحام) کیفری زندان‌ها شود و مشروعیت اقدامات محاکم را نیز افزایش دهد. ما در این مقاله تلاش می‌کنیم ضمن بیان مباحثی از مفهوم و مبانی حق بر مجازات کردن و نیز حق بر مجازات نشدن، آثار و جلوه‌های حق بر مجازات نشدن در احکام و آرای قضایی را بیان داریم.

۱- تبیین مفاهیم و مبادی تصویری موضوع

مفهوم رقیب جرم‌انگاری، جرم‌زدایی^۱ است که تحت عنوان عقب‌نشینی حقوق کیفری از آن یاد می‌شود. جرم‌انگاری فرایندی است که مقنن برای گزینش برخی از اعمال و رفتارهای مجرمانه که مُخل امنیت و جامعه است، وارد حوزه حقوق کیفری می‌نماید. «میچالوفسکی» در خصوص فرایند جرم‌انگاری می‌نویسند: «جرم‌انگاری فرایندی است حقوقی (وکیو، ۱۳۹۱، ۹؛ تروپه، ۱۳۹۰، ۶۰) و گزینشی که طی آن قانون‌گذار در یک کشور، رفتاری را با توجیه خاص مثلاً ارزش‌های اجتماعی، نظم عمومی یا مبانی اخلاقی مذهبی و غیره جرم تلقی کرده و برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین می‌کند. در این فرایند، باورها و رفتارها به وسیله جرم و کیفر از طریق قانون‌گذاری یا آرای قضایی شکل می‌یابند.» (نجفی ابرندآبادی، الف، ۱۳۹۲، ۳۲؛ Michalowski, 1985). در این راستا گفته شده که، کسی برای شکستن فندق از پتک استفاده نمی‌کند. محکومیت کیفری مشتمل بر شرمساری و نکوهش حاصل از اعمال مجازات می‌باشد (کلارکسون، ۱۳۹۱، ۱۰۵؛

۱. جرم‌زدایی، گاه در معنای کامل است که به جرم‌زدایی از رفتار مجرمانه اطلاق می‌شود و گاه در معنای ناقص که با کاهش قدرت کیفر یا جایگزین کیفر بدان اشاره می‌شود. با این وجود، در تقسیم‌بندی جرم‌زدایی آن را به جرم‌زدایی قانونی (رسمی)، جرم‌زدایی عملی (بالفعل)، جرم‌زدایی کامل و ناقص تقسیم می‌کنند. (ر.ک: وریایی، سعادت و هاشمی، ۱۳۹۳، ۴۱ و ۴۲).

کِلسن، ۱۳۸۷، ۶۸). جرم انگاری برخی از اعمال و رفتارهای افراد جامعه با توجه به ماهیت سیاسی حقوق کیفری به عنوان واکنش جامعه (اعمال حساب شده درد و رنج به مجرم) از طریق نهادهای حاکم (قوای دولتی) صورت می‌پذیرد که از این مساله نتیجه گرفته می‌شود که حق مجازات کردن بر اعضای جامعه از وظایف اصلی قوای دولتی است. اما آیا این که حقوق کیفری با جرم انگاری برخی از اعمال علاوه بر ایجاد حق بر مجازات شدن برای دولت، آن چیزی که درست است را به نادرست تبدیل می‌نماید. آنتونی داف در این خصوص می‌نویسد: «حقوق کیفری نادرست کاری‌ها را پدید نمی‌آورد؛ حقوق کیفری درست را با جرم انگاری به نادرست تبدیل نمی‌کند، بلکه این اعلان را می‌کند که انواع خاصی از نادرستی‌هایی که پیش‌تر وجود داشته‌اند، نادرست کاری‌های عمومی‌اند، که همه جامعه را نگران می‌کنند» (Doff, 1986, 94). در هر حال، حقوق کیفری بر این اساس که از حقوق اشخاص (حق‌ها) حمایت می‌نماید، ورود پیدا می‌کند و به نوعی با حوزه حق پیوند ناگسستنی دارد و این در حالی است که هر فردی حق دارد از بیشترین حقوق برخوردار باشد و جرم انگاری به معنای محدود نمودن حقوق است.

این که مفهوم و مبنای حق چیست^۱؛ بایستی به این نکته اشاره داشت، حقوق اشخاص بر این مبنا استوار است که میزان مداخله در حقوق و آزادی آنان کاهش پیدا نماید به این دلیل ساده که محدودیت به عنوان یک استثناء تلقی می‌شود. اما اگر عملی را جرم دانستیم و برای آن مجازات تعیین نمودیم، آیا تئوری حق بر مجازات شدن اولویت دارد یا تئوری حق بر مجازات نشدن. از این رو، در توسل به پاسخ‌های کیفری کدام یک از آموزه‌های کیفرشناسی (پاسخ‌شناسی به جرم) را مقدم می‌دانیم، به سخن دیگر، در توجیه و

۱. حق، موقعیت یا امتیازی است که دارنده آن دارای منفعتی شده و از ضرر دوری می‌شود (غلامی، الف، ۱۳۹۵، ۱۷۳؛ هارت، ۱۳۹۳؛ کانت، ۱۳۹۳).

تبیین مجازات، بر ضرورت توسل به پاسخ های کیفری اصرار می ورزیم یا پاسخ های غیرکیفری که ناظر بر حق و تکلیف بر مجازات نشدن می باشند؟ چرا که هریک از آموزه ها دارای کارکردهای خاص به خود می باشند و انتخاب هر کدام یک از آموزه های فوق، نتایج و سیاست های متفاوتی را در پی داشته و بدون تردید آثار و نتایج آن ها نیز متفاوت خواهد بود.

«داگلاس هوساک» در خصوص مفهوم حق بر مجازات نشدن، با بیان این مطلب که مجازات برای توجیه شدن باید سزاوارانه و به جا باشد و فقط بابت جرایمی تحمیل شود که برای ممنوعیت آسیب یا شرارتی جدی طراحی شده باشد. افراد حق بر مجازات نشدن دارند «مگر این که...». این شرط (مگر این که) در قاعده سازی حق ممکن است به شیوه های مختلفی تکمیل شود. ساده ترین شکلش این خواهد بود که «مگر این که مجازاتشان موجه باشد». در نهایت، قابل تحمیل بر اشخاص نیست، مگر این که رفتارشان خطا کارانه باشد؛ و حق بر مجازات نشدن حقی مستمر و مستقر است و تنها در صورت وجود شرایط خاص قابل نقض است. اما آیا یک مجازات موجه، حق مجازات نشدن را نقض می کند یا آن را امضاء می نماید؟ وقتی حقی ملغی شد، دیگر وجود ندارد و بدیهی است که وقتی حقی در عین نقض به قوت خود باقی باشد، به نظر می رسد که به شخصی که دارای آن حق است، چیزی تعلق می گیرد؛ که به این غرامت تعلق نمی گیرد بلکه توجیه یا ارائه دلیل، برای شیوه ای که با وی رفتار می شود، تعلق می گیرد (هوساک، ۱۵۲، ۱۳۹۰-۱۶۰). با این اوصاف، یکی از اساتید حقوق کیفری (غلامی، الف، ۱۷۹، ۱۳۹۵-۱۸۰) در خصوص مفهوم حق بر مجازات نشدن می نویسند: «حق بر مجازات نشدن به معنای منع و نفی مجازات و الغای کیفر عادلانه و متناسب با جرم نیست، بلکه ناظر بر ضرورت توسل به مجازات متناسب و عادلانه به عنوان پاسخی قابل توجیه و مشروع است. به این منظور، بدیهی است که مجازات باید بر مبنای اصل حداقل بودن، دارای چنان قابلیت توجیهی

باشد که آن را به مشابه پاسخی متناسب و عادلانه، گریز ناپذیر و غیر قابل جایگزین نماید. مجازات شر و ضرری است که به هر کس از جمله مجرم زیان می‌رساند. اصل بر آن است که هیچ کس نباید مشمول چنین شر و ضرری شود، مگر آن که چاره دیگری در دسترس نباشد. حتی اگر جرم انگاری بر اساس مصالح بزه دیده باشد و «توجه به مصالح بزه دیده» یکی از معیارها و اصول مهم جرم انگاری باشد. توجه به بزه دیده در جرم انگاری گاه قانون گذار را به این سو هدایت می‌کند که دست از جرم انگاری بردارد؛ زیرا گاه نه تنها جرم انگاری منافع بزه دیده را تامین نمی‌کند، که موجب ایراد ضرر به آن‌ها می‌شود^۱. در جرایم بدون بزه دید نیز برخی از حقوق دانان با استدلال بر بحث آزادی انسان و حق او در انجام هر گونه عملی مادام که ضرری به دیگری وارد نکند، «فقدان بزه دیده و خسارت» ناشی از وقوع این جرایم، افزایش جمعیت زندان‌ها و وضعیت نابه سامان زندان و این که وجود این جرایم تهدیدی علیه خلوت افراد جامعه محسوب می‌گردد، جرم زدایی از این جرایم را پیشنهاد می‌کنند (محسن رهامی و دیگران، ۱۳۸۹، ۸۳). با توجه به این که حق

^۱. توجه به مصالح بزه دیده در مرحله جرم انگاری امری ضروری و لازم قلمداد می‌گردد به نحوی که عدم رعایت برخی کیفیات در جرم انگاری (مانند صیانت از حریم خصوصی) و اعطای سرنوشت دعوای کیفری به لحاظ شروع به تعقیب و یا گذشت به دست خود بزه دیده در عمل به زیان بزه دیده باشد (نوبهار و صفاری، ۱۳۹۵، ۲۳۷). هم چنین ر. ک: (شیری، الف، ۴۴۷، ۱۳۹۲). گاهی حاکمیت‌ها، حقوق کیفری را به عنوان آسان‌ترین و مقتدرترین ابزار کنترل و نظارت و نهادینه سازی اخلاق، فضیلت، علم آموزی و پرهیزگاری در جامعه به کار می‌گیرند (کمال گرایی کیفری) و در میان راه کارهای مختلف و امکانات و تمهیدات متنوع دیگر، جرم انگاری و مجازات، جزو اولین راه حل‌هایی است که در حل معضلات و آسیب‌های اجتماعی به آن روی می‌آورند. باید توجه داشت که ابزارهای کیفری این قابلیت را دارد که منجر به تضعیف حقوق و آزادی‌های قانونی شهروندان شود و هزینه‌هایی چون احساس ترس و نا امنی و امنیتی شدن حوزه‌های مختلف حیات خصوصی و اجتماعی مردم را به دنبال داشته باشد (برهانی و محمدی فرد، ۱۳۹۵، ۱۹۱).

بر مجازات نشدن در زمره حقوق بنیادین و طبیعی است که از سایر حقوق مانند حق بر زندگی صیانت می‌نماید لذا محدوده اجرای حق بر مجازات نشدن تمامی جرایم و مجازات‌ها را در بر می‌گیرد با این وجود پژوهش حاضر بیشتر ناظر بر کیفر حبس می‌باشد.

۲- کیفرگرایی

کیفرگرایی یکی از مهم‌ترین روش‌های پاسخ به جرم از حدود ۵۰ سال پیشین تاکنون است. در نتیجه این وضعیت جمعیت کیفری، در سرتاسر جهان افزایش یافته به جز در برخی کشورهای دارای سیاست‌های کیفر گریز، جمعیت زندان آمریکا، آسیا، آفریقا و بسیاری از کشورهای اروپایی افزایش یافته است (حسین غلامی، ب، ۱۳۹۶، ۳۸۶)؛ به عنوان مثال، در کشور آمریکا، نزدیک به ۶۰ میلیون آمریکایی دارای سوء سابقه کیفری اند، که تقریباً معادل ۳۰ درصد جمعیت بزرگ سالان ایالات متحده است (Petersilia, 2003, 10). به همین سبب گفته اند که نظام کیفری در وضعیت بحرانی قرار دارد. استفاده افراطی نظام کیفری از مجازات (کیفر گرایی) موجب کاهش اهمیت آن و آسیب‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی را در پی داشته است. اگر کیفرگرایی از سوی مقامات قضایی باشد، سعی خواهد شد که از تمام ظرفیت‌های لازم جهت صدور حکم به مجازات‌های حداکثری استفاده شود و بدین ترتیب، از آموزه‌های غیر کیفری که مبتنی بر حق بر مجازات نشدن است، استفاده نشده و اگر هم استفاده شود، بسیار محدود خواهد بود که این رویکرد افزایش مجازات‌هایی نظیر حبس‌های طولانی مدت را در پی خواهد داشت.

در پایان لازم به ذکر است که یکی از شناخته شده‌ترین اصل‌ها درباره اعمال کیفر در حقوق جنایی این است که «... یگانه قاعده طلایی آن است که هیچ قاعده طلایی وجود ندارد.» این اصل، جلوه‌گاه (بازتاب دهنده) فهم حقوق موسوم درباره کیفردهی در بیشتر

سامانه های حقوقی امروزه است. با پیدایش حقوق جنایی مدرن، مجرم حق «کیفر دیدن» از گذر حقوق جنایی را دارد. مجرم امروزی حق کیفر دیدن از گذر کیفر دهی آموزها(نه بر پایه ی اصل های مبهم، ناروشن و ناقطعی) را دارد(هالوی، ۳، ۱۳۹۳). از دیگر سو، یکی از دیگر ویژگی های مجازات در دنیای متمدن پاکسازی ادبیات رسمی مجازات بوده است: تغییر ادبیات کیفری از گفتمان هیجانی و تحقیر آمیز به گفتمانی که بیشتر حاوی واژگانی خنثی، بی طرف و علمی است(پرت، ۱۰۸، ۱۳۹۶). هرگونه اتخاذ سیاست مبتنی بر کیفر دهی / گرایبی موجب عدم گرایش دادرسان در اتخاذ خلاف آموزه های مزبور می گردد.

۳- جایگاه حق بر مجازات نشدن در حقوق بشر

حقوق بشر، مجموعه ای از قواعدی است از حقوق اشخاص اعم از حقوق فردی و جمعی که از طریق کنوانسیون ها، اعلامیه ها، میثاق ها و مانند آن از طرف دولت ها وضع شده است.^۱ پرسش این که، آیا حق و تکلیف بر مجازات کردن، ناقض حقوق بشر تلقی می گردد؛ و آیا هنجارهای بین المللی حقوق بشر می تواند حق بر مجازات نشدن را پیشنهاد نماید. بدون تردید، زمانی حقوق بشر نقض می گردد که حقوق اساسی افراد نظیر حقوق مدنی، اجتماعی یا سیاسی (حق بر آزادی و امنیت، حق بر حریم خصوصی، حق داشتن کار، حق بر زندگی، منع شکنجه، آزادی بیان و غیره) توسط نهاد رسمی / حکومتی نقض و یا نادیده گرفته شود. در ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی - به عنوان

^۱ .اصطلاح حقوق بشر از اصطلاحاتی جدیدی است که پس از جنگ جهانی دوم و با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط سازمان عمومی ملل متحد (۱۹۴۸م) به کار برده شده است. بایستی اذعان نمود اصولی که در حقوق بشر بیان می شود، مانند حق بر اندیشه آزاد، حق بر کرامت انسانی و نظایر این ها که صبغه دینی نیز دارند.

حقوق نسل اول حقوق بشر^۱ - حق بهره مندی از دادرسی منصفانه و علنی در یک محکمه مستقل و بی طرف یکی از حقوق بنیادین افراد بیان شده است. «داگلاس هوساک» در این که آیا اعمال مجازات ناقض حقوق بشر محسوب می شود یا خیر، بیان می دارند: «مجازات کیفری زمانی ناعادلانه تلقی می شود که، دلایلی را یافته باشیم که نتیجه بگیریم رفتاری به خصوص که به خاطرش مجازات تحمیل می شود، اصلاً از آغاز نمی بایست جرم انگاری می شد (هوساک، ۱۳۹۰، ۱۳۹۰). بدین ترتیب، افراد این حق را دارند که در شرایط عادی مورد مواخذه و سرزنش قرار نگیرند. «جان دابی» ضمن تاکید بر حق انسان بر برخورداری و کرامت انسانی، حق بر مجازات شدن را که به نحوی حق بر تحمل رنج و محرومیت از حقوق قلمداد می شود، علاوه بر ایجاد سردرگمی و ابهام، مورد تردید قرار می دهد و توسل به سایر پاسخ های کیفری را مرجح می داند (غلامی، الف، ۱۷۷). برخی در این زمینه معتقدند که جرم انگاری حداکثری و مجازات بیش از حد، موجب نقض اساسی ترین حقوق بشر می گردد (Shepherd, 2012, 235)؛ چرا که اعمال مجازات یک امر استثنایی محسوب می گردد.

رابطه حقوق کیفری با حقوق بشر یک رابطه نامفهوم است. تناقض حقوق کیفری با حقوق بشر در بطن عدالت کیفری که مبتنی بر حق بر مجازات کردن است، قرار دارد؛ زیرا عدالت کیفری در واقع بعضی از «حقوق بنیادین» فرد را محدود یا سلب می کند و حال آن که همین نظام کیفری وظیفه حمایت از حقوق بشر را بر عهده دارد. این حمایت از طریق جرم انگاری در حقوق کیفری صورت می گیرد (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ۲۵۰؛ شمعی، ۱۳۹۲) نتایج حق بر مجازات نشدن در پرتو موازین حقوق بشر در برگیرنده منع مجازات های

۱. «نسل دوم» حقوق بشر مانند حقوق اقتصادی و اجتماعی، حق بر امنیت اجتماعی، حق بر آموزش و مانند آن؛ و «نسل سوم» مانند حقوق ملی و قومی، حق برخورد مختاری، حق بر صلح و توسعه.

غیرانسانی (حق اعمال کیفرهای ترمیمی)، حق محدودیت های قانونی حقوق (نقض حق بر مجازات نشدن صرفاً از طریق مراجع رسمی و براساس قانون)، حق دسترسی به عدالت، حق بر رفتار عادلانه بر پرتو عقلانیت (عقلانیت کیفری ایجاب می کند که تا حد امکان از دامنه شمول حقوق کیفری به دلیل آثار زیان بار آن کاست و جرم انگاری را محدود به موارد مهم و اساسی کرد). ضمن آن که لازم است در صورت جرم انگاری، کیفرهای انسانی به اندازه ضرورت باشد و در نهایت حق اختیاری اصلاح و درمان (حیدریان دولت آبادی، ۱۳۹۷، ۶۷). با این وجود، حقوق بشری شدن موضوع پاسخ دهی کیفری موجب ارتقاء حقوق کیفری از سطح ملی به سطح بین المللی می شود و توسل حداکثری به مجازات به لحاظ استثنایی بودن آن، موجب نقض اساسی ترین حقوق بشر می گردد.

۴- پیوند حق بر مجازات نشدن با اصل حداقل بودن حقوق جزا

جرم انگاری موجب ایجاد محدودیت در اعمال اشخاص می شود و ابزار کیفری این توانایی را دارد که به تضعیف حقوق و آزادی ها منجر شود و هزینه ها و مشکلات متعددی چون احساس ترس، پلیسی شدن حقوق کیفری، حضور بیشتر دولت در قلمروهای گوناگون و امنیتی شدن حوزه های مختلف اجتماعی را به دنبال داشته باشد (فلاحی، ۱۳۹۵، ۱۲۵ و ۱۳۹۳، ۱۶؛ الهی منش و مرادی اوجقاز، ب، ۱۳۹۵، ۱۲۵). در حقیقت، جرم انگاری شدیدترین رویارویی آزادی های فردی با قدرت حکومت است (فرح بخش، ۱۳۹۲، ۳۷۱)؛ که به عنوان فرایند رسمی مجرمانه و در خور مجازات تلقی کردن یک عمل اطلاق می گردد. به همین سبب این امر موجب انتقاد پاره ای از حقوق دانان شده است (داگلاس هوساک، ۱۳۹۰، ۱۱؛ اکبری و قناد، ۱۳۹۵، ۱۶۴؛ جوانمرد، ۱۳۹۳، ۱۷۱). در حال حاضر، نظریه ها و مبانی حقوق کیفری در تلاش است به جای توجیه مداخله کیفری و کیفرگذاری، به نظریه ها و مبانی جهت عدم مداخله کیفری توجه نماید و اصل

حداقل بودن حقوق جزا^۱ به عنوان یکی از اصول حاکم بر اصول فرعی حقوق جزا (مانع و محدود کننده) دارای نقش و کار کردی این چنینی است به نحوی که علاوه بر تاکید بر مداخله حداقلی حقوق کیفری به عنوان شدیدترین و عریان ترین نوع اعمال و اجرای قدرت رسمی دولتی، بلکه بر عدم مداخله کیفری و توسل به مداخله غیر کیفری نیز تاکید می نماید^۲. از دیگر سو مداخله کیفری، باید زمانی به کار گرفته شود که دیگر اقدامات، به ویژه اقدامات حقوق خصوصی و حقوق اداری کارآمد نباشد (جیربورگ، ۱۳۹۰، ۳۸۸).

اکتفا به اصل حداقل بودن متضمن دو بُعد مهم است: یکی مربوط به نوع ضمانت اجرا و دیگری به میزان مجازات مرتبط با جرم است. بدین ترتیب، اعمال مجازات زمانی مجاز است که حکومت با دلایل قطعی و یقین ثابت کند که جز مجازات، راهی در پیش نیست (بوشهری، ۱۳۸۷، ۳۳). بنابراین، آموزه الغاگرایی کیفری، هدایتگر سیاستگذاران جنایی به سمت استفاده حداقلی و ضروری ابزارهای کیفری است (جوان جعفری بجنوردی و نورپور، ۱۳۹۴، ۹۵). یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری در اسناد بین المللی حقوق بشر نیز قاعده یا اصل «ضروری بودن» اعمال محدودیت در حقوق و آزادی های افراد و به طریق اولی، ضرورت اعمال این محدودیت ها از طریق جرم انگاری مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان که محدودیت های پذیرفته شده در اسناد، بر حقوق و آزادی های

۱. این اصل با عناوینی چون آخرین وسیله، اصل صرفه جویی کیفری، اصل تکمیلی یا فرعی بودن حقوق کیفری و نیز حقوق جزا به عنوان آخرین و حداقل وسیله یا چاره نیز شناخته می شود.

۲. در این راستا و با اعتنای بر این اصل «اعتدال گرایی کیفری» جایگزین «افراط گرایی کیفری» خواهد بود و در نتیجه توسل حداقلی به حقوق کیفری، نه تنها زمینه مورد استفاده از حقوق جزا، مفاهیم، ابزارهای نهادهای آن کاهش خواهد یافت، بلکه موجبات تعدیل مصرف مفاهیم، ابزارها و نهادهای کیفری از طریق توسل به حقوق جزا به عنوان گریز ناپذیرترین و حداقل ترین چاره ممکن نیز فراهم خواهد شد. (غلامی و دیگران، ۱۳۹۳).

بنیادین بشر، منحصر در مواردی چون «حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی های اساسی دیگران» تلقی شده است^۱. بدون تردید، بایستی در تعیین کیفر علاوه بر توجه به اصل تناسب، با توسل حداقلی به پاسخ های کیفری و یا در صورت امکان، به سایر پاسخ های غیرکیفری به عنوان پاسخی بهتر و عادلانه تر دست یافت (الهی منش و مرادی اوجقاز، ۱۳۹۷، ۴۰). بنابراین مراتب فوق، رویکرد حداقلی دارای مبنای اخلاقی و عقلی است که زمینه ساز ایجاد حق بر اصلاح و درمان و نیز حق بر کیفر انسانی می باشد و نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (نظیر تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و معافیت از کیفر) با اکتفا بر اصل حداقل بودن به عنوان یکی از مبانی حق بر مجازات نشدن مورد اشاره واقع شده و در بند چ ماده ۱۱۳ برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی-اجتماعی با هدف کاهش عناوین مجرمانه و استفاده از سایر ضمانت اجرای دیگر (انضباطی، اداری، ترمیمی و...) بیان شده است.

پرسشی که در اینجا مطرح می گردد این که، اصل حداقل بودن حقوق جزا با حق بر مجازات نشدن چه ارتباطی می تواند داشته باشد. تردیدی نیست که اصل حداقل، اصولاً در مرحله جرم انگاری و کیفرگذاری مطرح می گردد اما اگر از آموزه های عدالت کیفری استفاده نمودیم و با توسل به برنامه های ترمیمی و یا به جای تدابیر کیفری و سزا دهنده

^۱. علاوه بر آن، اعمال این محدودیت ها باید در یک «جامعه دموکراتیک» «ضرورت» داشته باشد. اصل «جامعه دموکراتیک» و لزوم «ضروری بودن» مداخله در یک جامعه «جامعه دموکراتیک» نیز در اسناد متعدد حقوق بشری آمده است. مواد ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ میثاق «حقوق مدنی و سیاسی»، مواد ۴ و ۸ میثاق «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، مواد ۶ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ «کنوانسیون اروپایی» در این باره قابل توجه هستند. هم چنین کلیه اسناد «هشتمین کنگره سازمان ملل برای پیشگیری از جرایم و رفتار با مجرمین» جرم انگاری را موخر بر کلیه تدابیر، از جمله پیشگیری های کیفری دانسته اند (شمس ناتری، ابوالمعالی الحسینی و علیزاده طباطبایی، ۱۳۸۹، ۲۷۹).

متوسل به تدابیر غیر کیفری شدیم، در این صورت به اصل حداقل بودن حقوق جزا توجه نموده ایم. از دیگر سو، توسل به تدابیر غیر کیفری از آثار حق بر مجازات نشدن نیز می باشد و مقتضای رعایت اصل حداقل بودن در تعیین مجازات و کیفردهی، اولاً، صدور احکام با مجازات های پایین و با کمترین شدت و التفات به بازگشت بزهکار از طریق تحمیل حداقل هزینه بر اجتماع خواهد بود؛ و ثانیاً، توسل به فرایندهای غیر کیفری به جای فرایندهای کیفری می باشد. یکی از مبانی توجیه کننده در حق مجازات نشدن در حقوق کیفری، اصل حداقل بودن حقوق جزا است که می تواند به عنوان یکی از مبانی و اصول حق بر مجازات نشدن محسوب گردد.

به همین سبب گفته شده است که (امیدی، ۱۳۸۲، ۵۸؛ پیکا، ۱۱۷، ۱۳۹۰) تهدید به استفاده از ابزار حقوق کیفری و افزایش سهم ساز و کارهای غیر کیفری در امر مبارزه با بزهکاری، نخستین و مهم ترین نتیجه و فایده رویکرد حداقلی به جرم انگاری خواهد بود و تنها در صورتی به ابزار حقوق جزا متوسل می شوند که ساز و کارهای غیر کیفری نتواند پاسخ گو باشند، علاوه بر آن بایستی سودمندی کیفر به اثبات رسیده باشد.

از دیگر سو، استفاده از ابزارهای کیفری در راستای اصل حداقل بودن حقوق جزا و حق بر مجازات نشدن، ساده تر و آسان تر است و لذا تقدم پاسخ های غیرکیفری بر پاسخ های کیفری امری بدیهی بوده و در جهت حق بر مجازات نشدن نیز می باشد. با فرض تحدید حقوق و آزادی های افراد با جرم انگاری (حق شخص بر تحدید در جرم انگاری) در مرحله تعیین مجازات توسط دادرس، توسل به ابزارهای کیفری به عنوان یک استثناء تلقی شده و با تعیین متناسب توسط دادرس، پیوند این دو نهاد به وضوح قابل مشاهده است.

۵- از حق بر مجازات شدن تا حق بر مجازات نشدن

امروزه یکی از اصول بنیادین در علم کیفر شناسی (نوبین) این است که زمانی توسل به ابزارها و راهبردهای سزادهنده، ارعابی و حذف کننده موجه و متناسب است که امکان توسل به سایر تدابیر (اصلاحی و تربیتی) امکان پذیر نباشد در حالی که سابقاً (یعنی در کیفرشناسی سنتی)، حق بر مجازات شدن و تکلیف بر مجازات کردن به عنوان یک اصل پذیرفته شده بود. سزاربکاریا در خصوص حق بر کیفر دیدن می نویسند: «آدمیان را فقط ضرورت بر آن داشته است که جزئی از آزادی خود را واگذارند و بی شک، هر کس خواهان آن است که کوچکترین قسمت ممکن را به سپرده عمومی بسپارد، درست آن مقدار که دیگران را به دفاع از این سپرده مستلزم کند و مجموع این کوچکترین قسمت های کیفر، حق کیفر را پدید می آورد. افزون بر آن اجحاف است نه عدالت، تعدی است ولی دیگر حق نیست»^۱ (بکاریا، ۱۳۸۹، ۳۳). هر چند رفتار مجرمانه الزاماً اعمال ضمانت اجرای کیفری و مداخله مراجع قضایی کیفری را ایجاب نمی کند؛ لیکن ارائه پاسخ های غیر کیفری به پدیده مجرمانه (مانند تدابیر محدود کننده، انجام خدمات عمومی و ...) لازم است، قبل از هر چیز رفتارهای «مجرمانه» تعیین شود (آنسل، ۱۲۶، ۱۳۹۵). با این وجود، امروزه انتقادهایی بر کارکردهای الگوی کیفری شده است به نحوی که اعمال کیفر، موجب کاهش نرخ تکرار جرم نشده و مجازات اصولاً نتوانسته، رفتار جنایی را تغییر دهد.^۲ مراجع

^۱ . مبنای اصل ضرورت در جرم انگاری، آزادی و حق بر محدود بودن جرم انگاری و حق بر مجازات نشدن بیان شده است.

^۲ . گرایش به کاهش دامنه مداخله کیفری از چند علل نشأت می گیرد که می توان به کثرت جرایم در قوانین امروز تا مرز بی نهایت به ویژه در زمینه های اقتصادی و اجتماعی، عدم اجرای یا غیر قابل اجرا بودن بخش مهمی از این مجموعه، تامین دفاع جامعه از طریق شیوه هایی که نسبت به شیوه حقوق کیفری سبک تر و سریع ترند، اشاره داشت (پرادل، ۱۳۹۳، ۱۳۳؛ غلامی، ت، ۱۳۹۰).

بین‌المللی (برای نمونه سازمان ملل متحد و شورای اروپا) و نیز دولت‌ها با توجه به هزینه‌ها و آثار نامطلوب زندان، به سیاست «حبس زدایی» متوسل شده‌اند، و با استفاده از یافته‌های مطالعات کیفرشناختی و جرم‌شناختی، بدیل‌ها و جایگزین‌هایی را برای کیفر سالم آزادی در مقررات و قوانین خود پیش‌بینی کرده‌اند (بولک، ۱۳۸۷، ۲). با عنایت به این که، همه مجازات‌ها، حق‌ها را دستخوش مداخله قرار می‌دهند، ملاحظاتی که نشان‌دهنده موجه بودن یک مجازات است آن‌هایی است که نشان دهد حق مجازات نشدن، نقض شده نه این که مورد تعدی قرار گرفته است. هرگونه تلاشی برای توجیه قوانینی مداخله کیفری دولت قرار می‌دهد باید برای لغو حق بر مجازات نشدن کافی باشد (محمودی جانکی و روستایی، ۱۳۹۲، ۵۰).

در حال حاضر یکی از چالش‌های پیش‌رو فلسفه حقوق کیفری در توجیه و تبیین مجازات‌ها، چالش بین حق بر مجازات کردن / شدن و در مقابل حق بر مجازات نشدن / نکردن می‌باشد؛ این که دنباله‌رو کدام یک از آموزه‌های حقوق کیفری (سزا دهنده، بازدارنده و ... و یا ترمیمی، بازپرورانه و یا ...) باشیم، نهادهای مزبور قابل توجیه است؛ در صورت ابتدای حق بر مجازات نشدن در پرتو آموزه‌های اصلاحی و تربیتی، زمینه‌ساز عدم مشروعیت توسل به انواع پاسخ‌های کیفری را فراهم می‌آورد. در پایان پرسشی که مطرح می‌گردد این که آیا حق بر مجازات شدن به معنای نفی حقوق جزا و به عبارتی نفی مجازات است. در این خصوص بایستی گفت، حق بر مجازات نشدن به معنای نفی مجازات و یا الغای کیفر عادلانه و متناسب با جرم نیست، بلکه ناظر بر ضرورت توسل به مجازات متناسب و عادلانه به عنوان پاسخی موجه و مشروع است.

۶- مبانی و آثار حق بر مجازات نشدن

مبانی حق بر مجازات نشدن مبتنی بر انواع دیگری از حقوق بنیادین چون حق بر زندگی، حق بر آزادی، حق بر کرامت انسانی، حق بر امنیت و حق بر رفتار کرامت مدار است. حق بر مجازات نشدن دارای آثار متعددی است که برخی از آثار و نتایج حق بر مجازات نشدن را می‌توان به: الف- تقدم تمام فرایندها و انواع پاسخ‌های غیرکیفری بر فرایندها و پاسخ‌های کیفری؛ ب- ضرورت توسل به انواع پاسخ‌های غیرکیفری از جمله پاسخ‌های بازپرورانه و ترمیمی؛ پ- توسل به حداقل پاسخ کیفری با ابتدای بر اصل تناسب در تمام مراحل و سطوح تصمیم‌گیری^۱. ت- عدم اولویت توسل به مجازات، حق بر ترمیم و جبران برای بزه دیدگان و اجتماع، ایجاد تکالیفی برای نهادهای سیاست‌گذار و نیز نظام عدالت کیفری که حق بر بازپروری و مسئولیت‌پذیری برای بزه کاران به ارمغان می‌آورد، اشاره نمود. پیش‌بینی نهادهای کیفرزدا در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را نمی‌توان بر مبنای فهم سنتی از جرم، مسئولیت کیفری و مجازات توجیه نمود. این امر مستلزم تغییر کانون تحلیل علل بزهکاری و نیز چگونگی شناخت حق بر مجازات نشدن فردی است که علی‌رغم ارتکاب جرم و برخورداری از شرایط عامه مسئولیت کیفری، به دلیل تاثیر سایر عوامل اجتماعی-اقتصادی جرم‌زا، مستحق مجازات نبوده، معاف از مجازات می‌گردد (غلامی، الف، ۱۳۹۵، ۱۸۷؛ غلامی، ح، ۱۱، ۱۳۹۶).

بنابراین مراتب فوق، تحت تأثیر تحولات حقوق کیفری که معطوف به حق بر مجازات نکردن/نشدن می‌باشد؛ بر ضرورت توسل به پاسخ‌های فاقد وصف کیفری تاکید می‌شود.

^۱ . توسل به مجازات شدیدتر، خواه از لحاظ ماهیت و یا از جهت میزان آن، با حق بر مجازات نشدن در تعارض است. بنابراین آن‌گاه که جزای نقدی مناسب‌ترین مجازات است، توسل به حبس، مجازاتی نامتناسب و ناقض حق بر مجازات نشدن خواهد بود.

نماید، موجب ایجاد نهادهایی شده که در قوانین کیفری پیش بینی شده است و می‌توان به دو قسم یعنی حق بر «مجازات نشدن کامل» نظیر حکم به معافیت کامل و تعلیق اجرای مجازات؛ و «حق بر مجازات نشدن ناقص» نظیر تخفیف مجازات تا یک چهارم مقرر در حکم و یا تعلیق قسمتی از مجازات، اشاره نمود. در این راستا، محاکم کیفری می‌بایست با تأکید بر «حق بر مجازات نشدن» توسل به نهادهای غیر کیفری و مراجعه به سایر سازوکارها و فرایندها را در «اولویت» قرار دهند؛ چرا که توسل به فرایندهای کیفری سزا دهنده، اربابی و سرزنش آمیز هستند و به عنوان زیان‌بارترین پاسخ به جرم قلمداد می‌گردد. بدین ترتیب، جلوه‌ها و آثار حق بر مجازات نشدن در احکام و آرای قضایی با توسل به نهادهای غیر کیفری قابل مشاهده است. البته نبایست از این نکته غافل ماند که، هر چند قانون‌گذار بعضاً و تحت شرایطی در قانون، عدم اعمال پاسخ‌های کیفری را به عنوان تکلیف مشخص نموده است و انگهی اندیشه‌های دادرس کیفری نیز بی‌تأثیر در گزینش یکی از دو نهاد مزبور نیست؛ با این وجود می‌توان آثار و جلوه‌های حق بر مجازات نشدن - کامل یا ناقص - در فرایند دادرسی به شرح ذیل و با ارائه توضیحی بیان نمود.

۶-۱. آثار حق بر مجازات نشدن در پیشا دادرسی

جلوه‌های حق بر مجازات نشدن را نبایست فقط در مرحله صدور حکم و یا اجرای حکم جستجو نمود بلکه باید آثار و نتایج آن را از بدو تشکیل پرونده مورد بررسی قرار داد؛ چرا که ممکن است قبل از صدور حکم به مجازات، در خصوص اتهام انتسابی به متهم تحقیقاتی صورت گیرد که ممکن است معارض با «حق بر مجازات نشدن» باشد. بدین ترتیب، حق بر مجازات نشدن به عنوان امری پیشینی اقتضای آن را دارد تا نسبت به هر کس تا زمانی که مرتکب جرم نشده و یا مرتکب جرم شده لیکن بزه کاری وی محرز و مسلم نیست، اعمال شود.

۶-۱-۱. عدم کاربست قرار بازداشت موقت

بازداشت موقت متهم که از آن در حقوق کیفری ایران به توقیف احتیاطی نیز تعبیر شده است، عبارت است از سلب آزادی از متهم و زندانی کردن او در تمام یا قسمتی از تحقیقات مقدماتی توسط مقام صالح قضایی. این سلب آزادی از متهم ممکن است در طول جلسات رسیدگی دادگاه و تا صدور حکم قطعی نیز ادامه یابد (آشوری، الف، ۱۳۸۸، ۲۰۴). از این رو، متهمی که وارد فرایند کیفری می شود تا زمانی که مجرمیت و مسئولیت کیفری او در یک دادگاه مستقل، بی طرف و به طور منصفانه به اثبات نرسد، بی گناه فرض می شود. بازداشت موقت علاوه بر آن که دارای پیامدهای منفی زیادی (عدم تساوی سلاح ها، تضییع حقوق احتمالی متهم، بر چسب زنی، تضعیف جایگاه اجتماعی، ایجاد حس بی اعتمادی به دستگاه عدالت کیفری، آموزش احتمالی بزهکاری در مدرسه تبهکاری و نظایر آن) است بلکه مغایر با اصل برائت و پاره ای از نهادهای سودمند کیفری می باشد و می تواند بر سرنوشت دعوا تاثیر بگذارد (الهی منش، ۱۳۹۶، ۶۵).

در حال حاضر، مقنن در راستای «حق بر مجازات نشدن» در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و با ابتدای بر آن، حبس های پیش از محکومیت (صدور قرار بازداشت موقت) را محدود نموده و از طرفی، تعداد قرارهای تامین های کیفری را توسعه داده (از پنج نوع به ده نوع قرار تامین کیفری) و هم چنین، قرارهای نظارت قضایی^۱ پیش بینی نموده است. در همین راستا، قرار بازداشت موقت اجباری در قانون فعلی ما حذف شده و مقنن صدور قرار بازداشت موقت را جایز ندانسته است مگر این که شرایط مقرر در قانون فراهم باشد. بدین ترتیب، از نتایج و آثار حق بر مجازات نشدن در جهت حفظ کرامت انسانی و عدم مداخله حقوق کیفری در آزادی های افراد، باید توسل به بازداشت موقت پیش از صدور

^۱. هدف از نظارت قضایی در واقع اعطای آزادی به متهم است و فقط متهم محدودیت رفت و آمد دارد.

حکم به مثابه آخرین راه چاره باشد و در صورت استفاده نیز باید به حداقل ممکن اکتفاء شود.

۶-۱-۲. صدور قرار ترک تعقیب

ترک تعقیب از جمله شامل رها کردن روند تعقیب کیفری است؛ به گونه ای که مقام قضایی در زمینه تعقیب فرد هیچ اقدامی انجام نمی دهند (آشوری، پ، ۱۳۹۴، ۸۷). یکی دیگر از جلوه های حق بر مجازات نشدن، صدور قرار ترک تعقیب براساس ماده ۷۹ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می باشد که قبل از صدور کیفرخواست و با درخواست شاکی، قرار مزبور صادر می شود. بدین ترتیب، الزام دادستان به صدور قرار ترک تعقیب یکی از جلوه های حق بر مجازات نشدن در جرایم قابل گذشت است. در حقیقت قانون گذار با پر رنگ کردن نقش بزه دیده در فرآیند کیفری با تغلیب جنبه خصوصی و قابل گذشت دانستن آن، تعقیب را منوط به درخواست شاکی (بزه دیده) دانسته است و از این طریق تکلیف بر مجازات نکردن را پیش بینی نموده است.

۶-۱-۳. صدور قرار تعلیق تعقیب

قبل از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، صدور قرار تعلیق تعقیب متهم از سوی مقام قضایی در قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ پیش بینی شده بود. در حال حاضر براساس ماده ۸۱ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن ها قابل تعلیق است، چنان چه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارد شده جبران گردیده و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شده و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می تواند با موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال

معلق کند. در حقیقت در صورت وجود رعایت شرایط مذکور، قانون گذار با اعطای اختیار عدم تعقیب به جای تعقیب متهم، نهادی و پاسخی فاقد مجازات پیش بینی نموده است که مبتنی بر اصول نوین کیفر شناختی (حق بر مجازات نشدن) می باشد. به عبارت دیگر، با ملاحظه شرط تعلیق تعقیب که با پاسخگو کردن بزهکار (متهم) و جبران خسارت از سوی وی همراه است، امکان اولویت دهی به سایر ساز و کارهای ناظر بر پاسخ به جرم را پیش بینی می نماید و از این طریق به یکی از مهم ترین اهداف عدالت کیفری که تنزل بزه و بزه کاری است، می پردازد.

۴-۱-۶. ارجاع امر به میانجگری

میانجگری روش یا آیین حل اختلافات است؛ فرایندی که طی آن بر ضرورت مذاکره شرکت کنندگان با یک دیگر جهت حصول به یک توافق با مشارکت طرفین، نسبت به حل و فصل خصومت اقدام شود (غلامی، ج، ۱۲۰، ۱۳۹۳). میانجی، فضایی به وجود می آورد که بزهکار و بزه دیده به نحو برابر بتوانند حرف های خود را بزنند. بزهکار بدون ترس از عواقب و مسئولیت و کیفر، مسئولیت خویش را بپذیرد و آمادگی خود را جهت جبران و آسیب های وارده اعلان کند، و بزه دیده نیز، به جای یک نقش منفعل، یک نقش فعال و محوری بر عهده بگیرد و رودروی بزهکار از بزه و آسیب های ناشی از آن نسبت به خود سخن بگوید (شیری، ب، ۱۳۹۶، ۳۴۲). نقش میانجی تسهیل تبادل اطلاعات بین طرفین و کمک به حل آن از طریق گفتگو و بیان خواسته آن ها و تعیین مسئولیت و در نهایت حل اختلاف می باشد^۱. ارجاع امر به میانجگری از آموزه های عدالت ترمیمی است که مقام

^۱ میانجی گری بر دو نوع است: الف- میانجگری کیفری جامعه‌وی یا برون سیستمی/تقنینی شدن میانجیگری جامعه‌وی نشانگر یک نوع سالیست جنایی مشارکتی واکنشی است که بعد از وقوع جرم، مردم

قضایی در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که قابل تعلیق هستند می‌تواند به درخواست متهم و با جلب موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، مهلتی^۱ به متهم بدهند تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند که با حصول گذشت، تعقیب موقوف و پرونده مختومه؛ و در در جرایم غیر قابل گذشت، تعقیب متهم با موافقت وی، قرار تعلیق صادر می‌شود. بدین ترتیب، قانون‌گذار در راستای حق بر مجازات نشدن (حق بر بازپروری و مسئولیت‌پذیری بزه‌کار و حق بر ترمیم و جبران نمودن خسارت بزه دیده) با پیش‌بینی امکان ارجاع امر به میانجی‌گری به عنوان یکی از آموزه‌های عدالت‌ترمیمی به حمایت از بزه‌دیده و بزه‌کار پرداخته که با عدم اولویت در توسل به مجازات و فرایندهای کیفری توسط نهادهای عدالت‌کیفری صورت می‌پذیرد.

۶-۱-۵. بایگانی کردن پرونده

از دیگر نتایج حق بر مجازات نشدن و جلوه‌های آن، می‌توان به قرار بایگانی کردن پرونده اشاره نمود. براساس ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، چنان‌چه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت موثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده

در فرایند کیفری مشارکت داده می‌شوند و حل موضوع مورد اختلاف به آن‌ها سپرده می‌شود؛ ب- میانجیگری جامعه‌ی - دولتی / در این نوع میانجیگری از ظرفیت‌های نهادهای مردمی استفاده می‌شود لیکن در آن مقام قضایی و دولتی بر آن نظارت دارد (جوان جعفری بجنوردی و نورپور، ۱۳۹۴، ۹۲).

۱. مهلت میانجی‌گری حسب ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بیش از سه ماه نخواهد بود و برای یک بار قابل تمدید است.

است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی فقط یک بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند...»
در هر حال، در صدور قرارهای نهایی نیز مقام قضایی می‌بایست بر حق بر مجازات نشدن توجه نماید، با این توضیح که اگر پرونده با قرارهای شکلی نظیر قرار موقوفی تعقیب به لحاظ اعتبار امر مختومه و یا گذشت شاکی، مختومه می‌گردد ابتدا باید به آن توجه شود و سپس وارد ماهیت شده و با ابتدای حق بر مجازات نشدن مثلاً قرار منع تعقیب صادر نماید.

۶-۲. آثار حق بر مجازات نشدن در حین دادرسی

مجازات و کیفر شدن حق اساسی افراد حاکم بر جامعه مدرن می‌باشد. از این رو، در حین صدور حکم این اصل باید رعایت شود و مجازات می‌بایست مطابق با بزه باشد و هر کس از لحاظ قانونی مرتکب جرم شده باشد بایستی عادلانه، منصفانه و بی‌طرفانه مجازات شود.^۱ پس از ارسال پرونده به دادگاه، دادرسی دادگاه کیفری در صورت احراز مجرمیت، متهم را با توجه به اتهام انتسابی به مجازات متناسب محکوم می‌نماید. در این مرحله می‌توان آثار و جلوه‌های حق بر مجازات نشدن را به وضوح مشاهده نمود. ماهیت این دسته از پاسخ‌های کیفری، اصلاح / تربیت و گاه آموزش بوده و در جهت ارتقاء توانایی و مهارت بزه‌کار برای زندگی بدون بزه و بازپذیری به کار بسته می‌شود و برای همین منظور این دسته از پاسخ‌های کیفری دارای ویژگی «گریز از کیفر» می‌باشند. در حال حاضر مقنن

^۱ . گاربریل هالوی براین عقیده است که احکام قانون امروزی، با توجه به مفاهیم اساسی حقوق کیفری، خط مشی افراد در آینده را رقم می‌زند و یا به عبارتی مسیر حرکت افراد در جامعه را مشخص می‌نماید (Hallevy, 2013, 22).

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ امکان توسل به سایر پاسخ‌های کیفری را امکان پذیر دانسته و سیاست تقنینی در قانون، مبتنی بر حبس زدایی از جرایم با مجازات‌های سبک و کاهش هزینه‌های انسانی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تورم کیفری و ازدحام در زندان می‌باشد که موجب ایجاد و توسعه احساس مسئولیت، تعهد و وابستگی اجتماعی در مجرم می‌گردد و شرایط بازاجتماعی شدن وی را فراهم می‌آورد، بیش از پیش به این موضوع توجه داشته است که ذیلاً به بیان آن می‌پردازیم.

۶-۲-۱. تعویق صدور حکم

نهاد تعلیق تعقیب در حقوق ایران سابقه دارد ولی تعویق صدور حکم مسبوق به سابقه نیست که با وجود شرایطی دادگاه «می‌تواند» صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق بیندازد. در تعویق صدور حکم دادگاه می‌تواند اجرای دستورات مراقبتی را نیز صادر نماید که تحت عنوان تعویق مراقبتی (تعهد به انجام دستورات و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه نظیر پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه) از آن یاد می‌شود. فلسفه پیش‌بینی نهاد تعویق را می‌توان مواردی چون کاهش جمعیت کیفری (مقابله با آثار ازدحام زندان‌ها)^۱، بازپذیری مجرم، ترمیم خسارت وارده بر بزه دیده، توجه به اصل تفرید کیفری^۲ و کیفر زدایی اشاره نمود. البته قانون‌گذار امکان صدور حکم برای تمامی جرایم را نداده

۱. برای مشاهده آثار ازدحام زندان‌ها و روش‌های مقابله با آن. ر.ک: (آلبرشت، ۱۳۹۵، ۵۷) و برای مطالعه: پیامدهای زندانی شدن و آثار ناشی از آن. ر.ک: (آشوری و صبوری پور، ۱۳۹۴، ۱۴-۱۵؛ مؤذن زادگان و خدادی، ۱۳۹۲، ۲۱۴).

۲. اصل فردی کردن مجازات‌ها که به معنای متناسب کردن مجازات‌ها با ویژگی‌های بزه‌کار است، به دادرسی اجازه می‌دهد به جای مجازات مقرر در قانون، به تمامی عواملی که در وقوع بزه موثر بوده اند توجه داشت..

است بلکه مطابق ماده ۴۰ از قانون مجازات اسلامی بایستی شرایط ذیل فراهم گرد: الف- جرایم تعزیری درجه شش تا هشت؛ ب- احراز مجرمیت متهم؛ پ- پیش بینی اصلاح مرتکب در آینده؛ ت- فقدان سابقه کیفری مؤثر با لحاظ ماده ۲۵ ق.م.ا؛ ج- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن؛ ح- احراز یکی از جهات مخففه مقرر در ماده ۳۸ قانون مرقوم (در نظر گرفتن وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب). در پایان لازم به ذکر است که قانون گذار برای قرار تعویق صدور حکم ضمانت اجرایی پیش بینی نموده است که در صورت عدم اجرای تعهد و دستورات و یا ارتکاب جرم از سوی مرتکب دادگاه می توان آن را اعمال نماید. در واقع، قانون گذار با پیش بینی نهاد تعویق صدور حکم با وجود احراز مجرمیت، حق یا تکلیف به مجازات کردن / شدن را به حق یا تکلیف به مجازات نکردن / نشدن منقلب کرده است.

۶-۲-۲. تعلیق اجرای مجازات

در تعلیق با آن که مرتکب جرم، بزهکار شناخته و محکوم شده است ولی از تحمل کیفر معاف می شود؛ به همین سبب در این خصوص از واژه «محکومیت همراه با تعلیق» سخن به میان می آورند (لوتومی و کلب، ۱۳۹۵، ۱۳۲). تعلیق اجرای مجازات، به عنوان مجازات جایگزین «تحدیدی» یا «تقییدی» که نوعی حدود و قیود برای مجازات حبس بوده که ضمن محدود کردن صدور یا اجرای محکومیت حبس، آن را به طور کلی از عهده متهم یا محکوم علیه برداشته و با اعمال ابزارهای نظارتی، سایه ای از مجازات حبس را بر سر مجرم باقی گذارده و در راستای محدود کردن آزادی به وجود آمده است (محمدی، ۱۳۹۵، ۱۰۷). تعلیق اجرای مجازات در راستای اصل تفرید (فردی کردن مجازات) به عنوان یکی از آثار و جلوه های «حق بر مجازات نشدن»، مجازات مرتکب یا اجرای مابقی مجازات محکوم علیه را متوقف می سازد تا چنان چه در مدت مشخص و معین، مرتکب جرمی نشد و یا از

دستورات دادگاه پیروی نمود(در تعلیق مراقبتی)، مجازات مرتکب جرم بی اثر گردد. در هر حال، تعلیق به دو شکل ساده و مراقبتی^۱ است و مدت تعلیق اجرای مجازات از یک تا پنج سال است که ممکن است ضمن صدور حکم محکومیت یا پس از صدور حکم محکومیت و پس از سپری شدن «یک سوم مجازات» در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت امکان پذیر است. همانند تعویق صدور حکم، در صورت عدم تبعیت از دستورات دادگاه در تعلیق مراقبتی، دادگاه می تواند ضمانت اجرای پیش بینی شده را اعمال نماید و اگر شخص در دوران تعلیق، مرتکب یکی از جرایم عمدی مستوجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود محکومیت تعلیقی بی اثر می شود.

۳-۲-۶. حکم به معافیت از کیفر

معافیت از مجازات/کیفر در واقع انصراف از کیفر را بیان می کند، یعنی انصراف از صدور حکم مجازات در حالتی که «معافیت» مطرح می شود(نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰، ۴۹) معافیت از کیفر که به عنوان دوره/نسل چهارم کیفرزدایی تلقی می شود بر طبق ماده ۳۹ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت احراز جهات تخفیف چنان چه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می شود در صورت فقدان سابقه کیفری موثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.» دادرس حسب اوضاع و احوال ارتکاب جرم(نظیر انگیزه

^۱ در تعلیق مراقبتی به مجرم اجازه داده می شود که تحت شرایطی خاص، در جامعه تحت نظارت باقی بماند و از جمله سوابق تاریخی تعلیق مراقبتی، سنت قرون وسطایی «مصونیت روحانیون» بوده است..رک: (شیکر، ۱۸۳، ۱۳۹۳؛ هالوی، ۲۵۱؛ آشوری، پ، ۱۶۱).

مرتکب و نحوه وقوع بزه) و هم چنین شخصیت مرتکب، کیفر مناسب را برای بزهکار تعیین می نماید. حکم بر معافیت از کیفر از نشانه های تساهل دادرسی است که با وجود احراز بزهکاری متهم، هیچ گونه کیفری را مورد حکم قرار نمی دهد.

معافیت از کیفر، گاه به حکم قانون (معافیت قانونی یا معاذیر قانونی) و گاه نیز به اختیار مقام قضایی (معافیت قضایی) است.^۱ یکی از آثار مهم حق بر مجازات نشدن، حکم به معافیت از کیفر است؛ چرا که در صورت احراز موارد مذکور در ماده ۳۹ و عدم اعمال آن (حکم بر ممانعت) ناقض حق بر مجازات نشدن خواهد بود. با این وجود مقنن اختیار را به دست مقام قضایی سپرده و هیچ گونه الزامی برای وی در صدور حکم بر معافیت از کیفر نیست. در پایان ذکر این نکته ضرورت دارد که، در خصوص وجود جهات مخففه در سایر جرایم تعزیری (غیر از درجه هفت و هشت) دادگاه در اعطای مجازات باید حداقل پاسخ های کیفری را مورد لحاظ قرار دهد؛ چرا که توسل به مجازات شدیدتر با حق بر مجازات نشدن در تعارض است.

۱. کیفیات مخففه مجازات به کیفیات مخففه قضایی و جهات مخففه قضایی تقسیم می شود که کیفیات^۱ مخففه قضایی نهادی اختیاری در دست قاضی می باشد که در جرایم تعزیری قابل اعمال است و جهات مخففه قضایی در ماده ۳۸ از قانون مجازات اسلامی (نظیر گذشت مدعی خصوصی، اقرار موثر، ندامت و ...) ذکر شده است. معاذیر قانونی نیز به معاذیر معاف کننده و معاذیر مخففه منقسم می گردند که معاذیر قانونی دارای ویژگی چون تصریح در قانون، از بین بردن یا کاهش مجازات، احراز وقوع بزه و مانند آن می باشد (مانند عذر همکاری موضوع ماده ۵۰۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ یا عذر خانوادگی موضوع ماده ۵۵۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵). در هر حال معاذیر قانونی الزامی ولی اعمال کلیات مخففه اختیاری هستند.

۶-۲-۴. مجازات های جایگزین حبس

کیفرهای اجتماعی یا مجازات های جایگزین حبس که به کیفرهای بینابین/مجازات های جامعه مدار نیز تعبیر شده اند و در میان کیفر حبس و تعلیق مراقبتی قرار دارند؛ کیفرهایی هستند که به جای زندان توسط دادرس مورد حکم قرار می گیرند و به این ترتیب جایگزین زندان شده، مانع ورود افراد به ندامتگاه می شود (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۹، ۷). مجازات های جامعه مدار امروزه در راستای اندیشه و جنبش زندان زدایی مورد توجه سیاست گذاران جنایی بین المللی و ملی قرار گرفته اند. از این رو، در سطح بین المللی اسناد متعددی با رویکرد الزام آور و ارشاد گر و در سطح ملی مقررات، سیاست ها و رویه هایی به منظور استفاده و اجرای این کیفرها تدوین شده اند. به دنبال آن تصمیم گیرندگان سیاست جنایی ایران نیز با الهام از گفتمان دانشگاهی، تلاش های بی شماری از نواندیش، الزام و سفارش برخی از اسناد بین المللی در راستای اثربخشی بیش تر تدابیر و اقدام های نظام عدالت کیفری در زمینه بازپروری مجرمان به بهره جستن از کیفرهای جامعه مدار گرایش نشان داده اند (نیازپور، ۱۳۸۷، ۶۹) پارادایم اصلاح و بازپروری از دلایل عمده تولد جایگزین ها قلمداد و از این رو، شکست نظام زندان ها در اصلاح و درمان بزهکاران یکی از دلایل اصلی شکل گیری جایگزین ها بوده (سودیرن، ۵۹، ۱۳۹۶) کیفر سالب آزادی، به ویژه در قالب سنتی و کیفری محض، نه تنها پاسخ توانمندکننده و اصلاحی برای مجرم تلقی نمی شود، بلکه، صرف نظر از کارکرد اربابی برای سلب توان بزهکاری، زمینه ساز اختلال بیشتر در روابط اجتماعی افراد نیز می گردد (غلامی، ۱۳۹۷، ۱۱۹) عدم توفیق مجازات سالب آزادی در برآوردن اهداف نظام کیفری و لزوم کنترل و پیشگیری از بحران ناشی از آن، نظام کیفری را به تحدید قلمرو این مجازات سوق داده است. در حالت کلی، جایگزین های سنتی مجازات زندان، آزادی مشروط، تعلیق مراقبتی و جزای تقدی بود. جایگزین های نوین آن، تعویق تعقیب، میانجی گری، تعلیق

مراقبتی فشرده، کار عام المنفعه (خدمات اجتماعی)، جریمه های روزانه، بازداشت خانگی (حبس در منزل)، نظارت الکترونیکی، پادگان های آموزشی / اصلاحی و درمان می باشد (آشوری، پ، ۲۳۹؛ حسینی، ساعدی و صادقی، ۱۶۹، ۱۳۹۱). با توجه به ناکار آمدی زندان، افزایش جمعیت کیفری زندان، کاهش بار اقتصادی زندان و عدم توفیق زندان در بازپروری و اصلاح، قانون گذار در جهت متنوع ساختن پاسخ های کیفری و پیش بینی مجازات های جایگزین حبس به عنوان مجازاتی مناسب و کارآمد برای افرادی که دارای درجه خطرناکی پایین می باشند و با توجه به آموزه های جرم شناختی و کیفرشناختی نوین و پژوهش های صورت گرفته موید این واقعیت است که اجرای مجازات زندان با اندیشه اصلاح و بازپروری و پیشگیری از تکرار جرم، منافات دارد. از این رو مقنن در قانون مجازات، فصلی را به مجازات های جایگزین حبس اختصاص داده و در ماده ۶۴ مجازات های جایگزین حبس (دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی) پیش بینی نموده است. مقنن با اقدامی نوین موارد اعمال مجازات های جایگزین، مقررات مربوط به هر یک از مجازات های جایگزین حبس^۱ کیفیت و کمیت جایگزین های حبس به تناسب نوع جرم، ضمانت اجرای مجازات های جایگزین حبس و مواردی که دادرس از اعمال مجازات جایگزین حبس منع شده را بیان نموده است. گاهاً بزهکار نیازمند اصلاح و درمان است و در راستای توانمندسازی او با مدنظر قرار دادن حق بر مجازات نشدن با عدم توسل به مجازات حبس حاصل می گردد. الزامی داشتن آن-اعمال مجازات جایگزین حبس- از سوی قانون گذار در مورد معین و مشخص

^۱ . دوره مراقبت (ماده ۸۳)، خدمات عمومی رایگان (ماده ۸۴)، جزای نقدی روزانه (ماده: ۸۵)، جزای نقدی (ماده ۸۶).

مبتنی بر اصول نوین از شناختی نوین و سیاست جنایی مبتنی بر ریسک می باشد که بر ضرورت توجه به پاسخ های غیر کیفری تاکید می نماید.

۶-۲-۵. حبس در محدوده مکانی مشخص/حبس الکترونیکی

زندان ها، کانون های اصلاح و تربیت و سایر نهادهای کیفری، در هر حال ضمانت اجرایی هستند که مفاهیمی اجتماعی را نیز انتقال می دهند. وقتی مجرمی روانه زندان می شود، این پیام به اجتماع منتقل می شود که ناقض ارزش ها و احساسات اجتماعی (مجرم)، اکنون از جامعه فاصله گرفته است (اسفندیاری بهرآسمان و جوان جعفری بجنوردی، ۱۳۹۵، ۱۶۶)^۱. استفاده از فناوری نه تنها در پیشگیری از وقوع جرم کاربرد وسیعی پیدا کرده است، بلکه کنترل زندانیان و نظارت بر اعمال آن ها، به عنوان جایگزین مجازات زندان، نیز اهمیت خود را بازیافته است و نظارت الکترونیکی می تواند آثار مخرب و زیان بار حبس ها به ویژه حبس های کوتاه مدت را به حداقل برساند (تدین، ۱۳۸۷، ۶۵-۶۱) اما به عدم توفیق مجازات زندان در برآوردن کارکردهای اصلاحی و تربیتی و پیشگیری از تکرار جرایم و حذف معایب زندان در این راستا، نهادهای ارفاقی هم چون حبس در محدوده مکانی مشخص/حبس الکترونیکی پیش بینی نموده است. در این مجازات، دستگاه فرستنده کوچکی به مچ دست یا پای بزهکار بسته می شود که امواج الکترونیکی را به شکل پیوسته ارسال می دارد و حبس خانگی (محدودیت در رفت و آمد و

۱. حبس کیفری است که اولاً و بالذات محصول چاره اندیشی های کیفری بشر در حقوق های داخلی است. پاسخی محروم کننده و آزار دهنده که فرد را از گردونه زندگی عادی و روز مره با همسان خود دور می کند (رضوی فرد، ۱۳۹۱، ۱۹۷).

خروج محکوم علیه از منزل) یکی از مصادیق حبس در محدوده مکانی مشخص است.^۱ حبس یا نظارت الکترونیکی^۲ که براساس آن، شخص محکوم در یک محدوده مشخص و محدود، نگهداری و با استفاده از تجهیزات الکترونیکی نظیر پابند، بر رفتارهای او نظارت و عبور و مرور شخص کنترل می شود و به عبارت دیگر، نظارت و کنترل فرد تحت مراقبت به صورت مستمر یا دوره ای، با استفاده از ابزار و تجهیزات الکترونیکی. مقنن در راستای استفاده از آموزه های نوین حقوق کیفری و کیفرشناختی در ماده ۶۲ و تبصره ۲ ماده ۸۹ از قانون مجازات اسلامی، حبس در محدوده مکانی مشخص را پیش بینی نموده است که کارکرد جایگزین سازی برای زندان در این خصوص مانع از ورود به زندان و عامل خروج از آن است.

۳-۶. آثار حق بر مجازات نشدن در پسادادرسی

پس از صدور حکم و قطعیت آن، اجرای مجازات (کیفر) با تحمل آن از سوی محکوم پایان می یابد؛ اما بایستی گفت که آثار و جلوه های حق بر مجازات نشدن را می توان در این مرحله نیز مشاهده نمود و در حقیقت یکی از ویژگی های بارز حق بر مجازات نشدن، «مستمر بودن» آن است؛ مستمر بودن این حق حاکی از آن می باشد که در صورت ارتکاب جرم توسط مرتکب و تحمیل مجازات بر وی در حین اجرای مجازات و حتی پس از اتمام مجازات چنین حقی مجدداً به او اعاده شده و از آن استفاده خواهد نمود. بدین ترتیب،

۱. حبس در خانه به عنوان مصداقی از مجازات های اجتماعی، از تورم جمعیت کیفری زندان ها و هزینه نگهداری زندانیان می کاهد و ضمن ایجاد محدودیت در آزادی محکومان کم خطر با اصول انسانی و بشر دوستانه تطابق بیشتری دارد (نجفی ابرندآبادی، حبیب زاده و خالقی، ۱۳۸۰، ۱۵۴).

۲. به کلیه وسایل و لوازمی اطلاق می گردد که به منظور نظارت تحت سامانه های الکترونیکی به فرد تحت مراقبت یا در محدوده مراقبت نصب می شود.

اگر چه ممکن است حق بر مجازات نشدن در نتیجه وقوع جرم، احراز مسولیت کیفری و صدور حکم به مجازات نقض شده یا تنزل یابد، اما منحل نشده و از بین نخواهد رفت؛ بنابراین مراتب فوق، در مواردی که دادگاه الزاماً^۱ باید مجازات را متوقف کند و یا با توجه به اختیاری که دادگاه می تواند^۲ میزان مجازات مرتکب را کاهش دهد و یا تبدیل به مجازات دیگری بنماید، می توان از آثار و جلوه های حق بر مجازات نشدن سخن گفت. بدین ترتیب، اقتضای حق بر مجازات نشدن مبین این نکته است در مواردی که می بایست اجرای مجازات موقوف شود، هر گونه تعلل و سهل انگاری با این الزام، با حق مزبور تعارض داشته و ناقض آن می باشد که در ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری به آن اشاره شده که عبارتند از: فوت متهم یا محکوم علیه، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت، عفو، نسخ مجازات قانونی، شمول مرور زمان، توبه متهم در موارد پیش بینی شده، اعتبار امر مختوم، جنون و قاعده درء^۳. مواردی نیز دادگاه می تواند، در راستای «حق بر مجازات نشدن» گام بردارد که از جمله آن می توان به اعمال ماده ۴۸۳ از قانون آیین دادرسی کیفری و آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی اشاره نمود که با توجه به اهمیت بحث آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی توضیحی مختصر در این باره ارائه می شود.

۱. مانند جنون مرتکب یا مرور زمان و یا اعتبار امر مختوم.

۲. مانند اعمال یا عدم اعمال ماده ۴۸۳ ق. آ. د. ک.

۳. توبه در مواردی (جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۵) می تواند از موجبات تخفیف مجازات باشد؛ هم چنین می توان به مواردی چون اعمال تخفیف به موجب قانون لاحق (اخف) در میزان مجازات قبلی محکوم علیه براساس ماده ۱۰ ق. م. ا. نیز اشاره داشت.

۶-۳-۱. آزادی مشروط

آزادی مشروط یعنی آزادی مجرم قبل از اتمام مجازات او تحت شرایطی که مقام اعطاء کننده مقرر می‌کند. این نهاد حقوقی شامل آزادی تحت نظارت و امکان لغو آن در صورت نقض شرایط تعیین شده در مدت آزادی می‌باشد (آشوری، ۱۳۹۲، ۲۸۹). آزادی مشروط نوعی فردی کردن نیمه قضایی، نیمه اجرایی است که توسط مقامات اجرائی و قضایی مشترکاً اعمال می‌شود (صانعی، ۱۳۸۲، ۱۴۰). و ارفاقی است که قبل از اتمام مدت مقرر مجازات حبس توسط دادگاه صادرکننده حکم به محکوم اعطا شده و نمایانگر توجه خاص قانون گذار به اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی اوست (والهی و احسان پور، ۱۳۹۵، ۲۵۳) آزادی مشروط از زندان، یکی دیگر از راهبردهای کیفرزدایانه برای کاهش استفاده از مجازات است^۱ و آزادی مشروط شخص محکوم را وادار می‌نماید تا در حین تحمل کیفر در زندان به اصلاح رفتار و حسن اخلاق خویش بکوشد و یکی از راه‌های بازگشت مجرم به جامعه (بازپذیری) است که در حال حاضر مقنن در مواد ۵۸ الی ۶۳ مقرراتی را در این خصوص پیش بینی نموده است. بر طبق ماده ۵۸ قانون مرقوم در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادر کننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایطی، حکم به آزادی مشروط را صادر نماید. آزادی مشروط می‌تواند به شکل ساده و یا همراه با دستورات و یا تدابیر نظارتی باشد^۲. با عنایت به این دادگاه در تمام مراحل فرایند دادرسی کیفری می‌بایست پای بندی بر حق

۱. برای تبدیل «زیست کیفری» به آزادی مشروط و امکان «زیست محیطی» ارزیابی شرایط مقرر در قانون مجازات اسلامی به عنوان کیفرزدایی نسل اول، لازم و ضروری است.

۲. ن. ک: به مواد ۶۱ و ۶۲ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

بر مجازات نشدن را نشان دهد و نظر به این که اعطای آزادی مشروط از جمله پاسخ‌های بازپرورانه و ترمیمی است، می‌تواند از توسل به پاسخ‌های هزینه‌زا و زیان‌بار (رد تقاضای آزادی مشروط) امتناع ورزد.

۶-۳-۲. نظام نیمه آزادی

یکی از اهداف مجازات حبس، بازپروری محکومان است و جدایی آن‌ها از جامعه از یک سو مانع از تحقق این هدف می‌شود و از سوی دیگر، فراهم کردن امکانات آموزشی و فنی- حرفه‌ای متناسب با نیازهای متنوع زندانیان امری تقریباً غیرممکن و بسیار پرهزینه است. یکی از این شیوه‌ها که به دنبال کاستن معایب مجازات زندان برای محکوم، خانواده او و جامعه اوست، نظام نیمه آزادی است. براساس نظام نیمه آزادی، محکوم می‌تواند در ضمن اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر این‌ها را خارج از زندان انجام دهد و اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تاسیس می‌شود. این نهاد، نهادی اختیاری در دست مقام قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده است که مختص محکومین به حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت می‌باشد و شروطی مانند گذشت مدعی خصوصی، سپردن تأمین مناسب، رضایت محکوم علیه در دریافت نظام نیمه آزادی دارد.

در هر حال با وجود موافقت محکوم علیه در اعطای نظام نیمه آزادی و وجود شرایط مقرر، عدم موافقت دادگاه در اعطای آزادی مشروط با حق بر مجازات نشدن منافات دارد؛ چرا که دارای آثاری چون اصلاح و بازپذیری مجرم و توجه به اصل فردی کردن مجازات‌ها

دارد، در حقیقت استفاده از نهاد مزبور، توسل بر ساز و کارهای غیر کیفری به حساب می آید^۱.

. متأسفانه با وجود پیش بینی قانون گذار، از نظام نیمه آزادی و تعویق صدور حکم بسیار کم استقبال شده است و جا دارد برای جلوگیری از آثار محکومیت های کیفری و در راستای باز اجتماعی کردن مجرم، رویه قضایی از این نهادهای جدید که در قانون پیش بینی شده اند، بیش از از پیش استفاده نماید. عدم تمایل قضات به اعمال چنین مجازات هایی ممکن است به دلایلی چون اطمینان نداشتن به تاثیر آنها، فقدان زیرساخت های لازم و سازوکارهای سازمان یافته برای همکاری با نظام قضایی، عدم دسترسی به نیروی انسانی کافی، منابع و آموزش های مربوط به اجرای این اقدام و فقدان حمایت عمومی از مقامات قضایی که ممکن است در مظان اتهام به ملایمت در برابر جرایم قرار گیرند، دانست. (ن.ک: آتابی، ۱۳۹۶، ۷۸).

نتیجه

بدون تردید، بایستی در تعیین کیفر علاوه بر توجه به اصل تناسب، به سایر پاسخ‌های غیر کیفری نیز نظر داشت به نحوی که چنان‌چه بتوان با توسل به پاسخ‌های غیر کیفری به عنوان پاسخ بهتر و عادلانه‌تر به اهداف حقوق کیفری (کنترل بزه و بزه‌کاری) رسید؛ توسل به پاسخ کیفری امری صحیح به نظر نمی‌رسد. امروزه در بسیاری از نظام‌های حقوقی تحت تاثیر آموزه‌های کیفرشناسی و جرم‌شناسی با وجود احراز مسئولیت کیفری، حداقل پاسخ کیفری در نظر گرفته می‌شود و یا منتهی به کار بست پاسخ‌های غیر کیفری می‌گردد. واقع، این رویکرد (حق بر مجازات نشدن) بیشتر به پاس‌خگو شدن بزه‌کار در مقابل بزه دیده و اصلاح و تربیت او تاکید می‌ورزد اما در مقابل، آموزه‌های سزادهی، حق یا تکلیف بر مجازات نمودن/کردن را امری ضروری می‌نماید. از این رو، مقنن ایرانی با مدنظر قرار دادن نظریه و مبانی توجیه‌کننده عدم مداخله کیفری، نهادهای نوینی هم چون عدم کار بست قرار بازداشت موقت، قرار بایگانی پرونده، معافیت از کیفر، مجازات‌های جایگزین حبس، تعویق صدور حکم و نظایر آن را پیش‌بینی نموده است. این نهادها و یا پاسخ‌ها را می‌توان فاقد وصف مجازات و کیفری به معنای اخص دانست که قانون‌گذار این اختیار (جز در موارد لزوم) را به دادرسی یا مقام قضایی سپرده تا به جای توسل به فرایند کیفری و یا کار بست پاسخ‌هایی کیفری که دارای درجاتی از قدرت سرزنش و تحقیر کننده هستند، از فرایندهای غیر کیفری برای پاسخ به جرم استفاده نماید. مضاف بر این، در صورتی که دادرسی ملزم به استفاده از پاسخ‌های کیفری باشد بایستی به حداقل پاسخ‌های کیفری اکتفاء نماید و در نتیجه نهادهای عدالت کیفری از طریق توسل به حقوق کیفری به عنوان آخرین راه حل فراهم نماید. از دیگر سو، ویژگی و آثار حق بر مجازات نشدن یعنی «پیشینی» و «مستمر» بودن آن نسبت به هر شخصی تا زمانی که مرتکب جرم نشده و نیز پس از ارتکاب جرم و در فرایند دادرسی کیفری (قبل، حین و پس از دادرسی)

جاری و ساری است و حتی پس از اتمام اجرای مجازات نیز این اصل با توجه به ویژگی مستمر بودن آن قابل استفاده است. توجه به سیاست جنایی مذکور در قوانین فعلی این نوید را می‌دهد که حرکت قانون‌گذار نسبت به بزه کار و بزه دیده و اجتماع نقش حمایتی - ترمیمی (حق بر بازپروری و پاسخ گو بودن بزه‌کار در مقابل آثار جرم) باشد.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. آتابی، تومریس، راهبردهای کاهش جمعیت زندان‌ها، برگردان: علی غلامی و پیمان حسنی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۲. آشوری، محمد، الف، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ دهم، ۱۳۸۸.
۳. آشوری، محمد، ب، عدالت کیفری دو (مجموعه مقالات)، نشر دادگستر چاپ اول، ۱۳۹۲.
۴. آشوری، محمد، پ، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، نشر گرایش، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
۵. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی مارک آنسل، برگردان: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۵.
۶. ابراهیمی، شهرام، پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر، پایان‌نامه دکتری حقوق جزای جرم‌شناسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۷. اس‌مورفی، دانیل و دیگران، داغ ننگ الکترونیکی؛ سابقه کیفری و هویت تخریب‌شده دائمی، برگردان: محسن مرادی اوجقاز، مندرج در: دانشنامه جرم‌شناسی، به کوشش عباس شیری با همکاری گروهی از استادان و پژوهشگران جرم‌شناسی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۸. اسفندیاری بهرآسمان، محمد صالح و عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی، کارکرد زندان از منظر نظریه‌های جامعه‌شناسی مجازات، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم انسانی رضوی، شماره ۱۲، ۱۳۹۵.
۹. اکبری، مسعود و فاطمه فناد، پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی ایران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۱۰. الهی منش، محمدرضا و محسن مرادی اوجقاز، الف، حقوق کیفری اختصاصی ۱ (جرایم علیه اشخاص)، انتشارات مجد، چاپ چهارم، ۱۳۹۵.
۱۱. الهی منش، محمدرضا و محسن مرادی اوجقاز، ب، حقوق کیفری عمومی ۱، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۵.

۱۲. الهی منش، محمدرضا و محسن مرادی اوجقاز، پ، کلیات حقوق جزا، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۱۳. الهی منش، محمدرضا، قرار بازداشت موقت و جایگزین های آن در حقوق ایران و فرانسه، انتشارات مجد، چاپ ششم، ۱۳۹۶.
۱۴. امیدی، جلیل، مبانی عدالت در حقوق کیفری و بشر، نشریه مجلس و پژوهش، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۸۲.
۱۵. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات ها، برگردان: محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، چاپ ششم، تابستان ۱۳۸۹.
۱۶. بوشهری، جعفر، حقوق جزا، اصول و مسایل، جلد اول، انتشارات سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۱۷. بولک، برنار، کیفرشناسی، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، ویراست پنجم، چاپ هشتم، انتشارات مجد، ۱۳۸۷.
۱۸. بروکس، تام، مجازات، برگردان: محمدعلی کاظم نظری، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۱۹. برهانی، محسن و بشری محمدی فرد، کمال گرایی کیفری، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
۲۰. پردال، ژان، تاریخ اندیشه های حقوق کیفری، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
۲۱. تروپه، میشل، فلسفه حقوق، برگردان مرتضی کلانتریان، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۲۲. پرت، جان، مجازات و تمدن، برگردان: هانیه هُژبر الساداتی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۲۳. پیکا، ژرژ، جرم شناسی، برگردان: علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۲۴. تدین، عباس، نظارت الکترونیکی: گامی به سوی جایگزین های زندان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۸۷.

۲۵. جیریورگ، نیلز، جرم انگاری هم چون آخرین چاره، برگردان: رحیم نوبهار و فاطمه نوبهار، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۳، بهار ۱۳۹۰.
۲۶. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و ساداتی، محمد جواد، ماهیت فلسفی و جامعه‌شناختی کیفر؛ تاملی در چیستی و کارگردهای کیفر، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۲۷. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و محسن نورپور، تعقیب زدایی کیفری؛ بازتابی نوین از الغاگرایی کیفری، پژوهش نامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۲۸. جوانمرد، بهروز، تسامح صفر: سیاست کیفری سخت گیرانه در قبال جرایم خرد، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۲۹. حاجی تبار فیروزجائی، حسن، مجازات های جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۳۰. حسینی، سید محمد، زهرا ساعدی و آزاده صادقی، نگاهی به تحولات مفهومی و کارکردی در کیفرشناسی نوین، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۹، پاییز ۱۳۹۱.
۳۱. حیدریان دولت آبادی، محمد جواد، حق بر مجازات نشدن؛ از منظر موازین حقوق بشر و اصول بنیادین حقوق کیفری، فصل نامه مطالعات بین المللی پلیس، شماره ۱۳۹۷، ۳۳.
۳۲. رضوی فرد، بهزاد، کارآمدی و ناکارآمدی کیفر حبس در حقوق کیفری بین المللی، فصل نامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱.
۳۳. رهامی، محسن و دیگران، جرایم بدون بزه دیده، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۳۴. سودیرن، اوزنور، مطالعه تطبیقی جایگزین های حبس در انگلستان و ولز، آلمان و ترکیه، برگردان: حمیدرضا دانش ناری و حامد صفایی آتشگاه، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۶.
۳۵. شمس ناتری، محمد ابراهیم، ابوالمعالی الحسینی، سید وحید و زهرا سادات علیزاده طباطبایی، ویژگی های جرم انگاری در پرتو اسناد و موازین حقوق بشر، فصل نامه رهبرد، سال بیستم، شماره ۵۸، بهار ۱۳۹۰.
۳۶. شمعی، محمد، در آمدی بر جرم انگاری و جرم زدایی، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲.

۳۷. شیکر، دیوید، مفهوم و ماهیت مجازات، برگردان: حسین آقایی جنت مکان، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۳۸. شیرینی، عباس، الف، رفتار کرامت مدار با بزه دیده، اعطای اختیار در مرحله تحقیق و تعقیب، در: تازه های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، کتاب اول، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۳۹. شیرینی، عباس، ب، عدالت ترمیمی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۴۰. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۴۱. صادقی، ولی اله، کیفرزدایی در ایران؛ نظریه و رویه، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۴۲. غلامی، حسین، الف، کیفرشناسی؛ کلیات و مبانی پاسخ شناسی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۴۳. غلامی، حسین، ب، کیفرگرایی: مفهوم و گونه های آن، در مجموعه مقالات نکو داشت دکتر سیلویا تلنباخ (علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری های بین المللی)، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۴۴. غلامی، حسین، پ، اصل حداقل بودن حقوق جزا، فصلنامه حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۱.
۴۵. غلامی، حسین، ت، تکرار جرم؛ بررسی حقوقی جرم شناختی، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
۴۶. غلامی، حسین، ح، فرجام مسولیت کیفری: تقابل حق ها و الگوها، در: مجموعه چکیده مقاله ها (همایش ملی تحولات مسؤلیت کیفری در نظام حقوقی ایران؛ چالش ها و راهکارها)، موسسه آموزش عالی طبرستان، خرداد ۱۳۹۶.
۴۷. غلامی، حسین، ج، عدالت ترمیمی، انتشارات سمت، چاپ پنجم، ۱۳۹۳.
۴۸. غلامی، حسین و دیگران، اصل حداقل بودن حقوق جزا، نشر میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۳.

۴۹. غلامی، حسین، ج، زندانیان به مثابه کنشگران برنامه‌های ترمیمی، مندرج در: دانشنامه جرم‌شناسی، به کوشش عباس شیری با همکاری گروهی از استادان و پژوهشگران جرم‌شناسی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۵۰. فلاحی، احمد، اصل ضرورت در جرم‌انگاری، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۵۱. فلچر، جورج پی، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، برگردان: سید سید مهدی سیدزاده ثانی، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ بهارم، ۱۳۹۴.
۵۲. فرح بخش، مجتبی، جرم‌انگاری فایده‌گرایانه (جستاری در فلسفه حقوق کیفری)، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۵۳. کانت، فلسفه حقوق، برگردان: منوچهر صانعی دره بیدی، انتشارات نقش و نگار، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
۵۴. کلارکسون، کریستوفر، حقوق جزای اختصاصی انگلستان و نقش حقوق جزا در جامعه، برگردان: حسین میرمحمد صادقی، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۵۵. کلسن، هانس، نظریه حقوقی ناب (مدخلی به مسائل نظریه حقوقی) برگردان، اسماعیل نعمت‌الهی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۵۶. گارلند، دیوید، مجازات و جامعه مدرن، برگردان: نبی‌اله غلامی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۵۷. گودرزی بروجردی، محمدرضا و لیلا مقدادی، کیفرشناسی نوین یا کیفرهای اجتماعی در تجربه ایران و دنیای معاصر، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۵۸. لوتومی، لورانس و پاتریک کلب، بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه، برگردان: محمود روح‌الامینی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
۵۹. محمدی، معصومه، تحلیل آثار حبس بر زندانیان در پرتو قوانین سه‌گانه تقلید گابریل تارد، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۶۰. محمودی جانکی، فیروز و مهرانگیز روستایی، توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۹۲.

۶۱. مؤذن زادگان، حسنعلی و سید بهمن خدادی، نظارت بر مجرمان، در فرایند مجازات سلب آزادی، پژوهش نامه حقوق کیفری، سال چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
۶۲. نوبهار، رحیم و فاطمه صفاری، رعایت مصالح بزه دیده در جرم انگاری، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتمادام. شماره ۹۳، بهار ۱۳۹۵.
۶۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، الف، از کیفر تا شکنجه: دیباچه در: شکنجه در سیاست جنایی ایران، سازمان ملل و شورای اروپا، سید عباس موسوی، انتشارات خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۶۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ب، تقریرات درس «جامعه شناسی کیفری»، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تهران / پردیس قم، نیمسال دوم ۱۳۹۱-۱۳۹۲.
۶۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، محمد جعفر حبیب زاده و ابوالفتح خالقی، حبس خانگی، فصل نامه دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، دوره پنجم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۰.
۶۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیکی، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات گنج دانش، ویراست دوم، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۶۷. نیازپور، امیرحسین، کارکرد بازپروانه کیفرهای جامعه مدار، فصل نامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال سوم، شماره ۶، بهار ۱۳۸۷.
۶۸. هالوی، گابریل، کیفر دهی آموزه های مدرن، برگردان: علی شجاعی، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۶۹. هارت، هربرت، مفهوم قانون، برگردان: محمد راسخ، نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۹۳.
۷۰. هوساک، داگلاس، جرم انگاری افراطی، برگردان: محمدتقی نوری، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۷۱. والهی، حمید و سیدرضا احسان پور، جایگاه جایگزین های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آن ها در نظام عدالت کیفری ایران، فصل نامه مجلس و راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۸۵، بهار ۱۳۹۵.

۷۲. وریایی، اکبر، رضا سعادت‌ی و حمید هاشمی، تأثیر اخلاق در جرم‌انگاری و جرم‌زدایی در نظام حقوقی کیفری اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۸، ۱۳۹۳.
۷۳. وکیو، دل، فلسفه حقوق، برگردان جواد واحدی، چاپ سوم، ۱۳۹۱.

ب) غیر فارسی

74. petersilia,joan , when prisoners com Home : Parolan prisoner reeutry oxford : oxford university press, 2003.
75. Shepherd, j.d, a Human rIght not be punished? Punishment as derogation of rights, ,crim law and philos , Dol 10. Springer, 2012.
- 76.Halley, Gabriel, The Rigt To bi Punished (modern Doctorin sentencing(, Heidelberg, NeW York Dordvecht,10 t edition), springer , 2013 .
- 77.Doff. A , Towards a Theory of criminal law? , Froceeding of the Aristoteliansociety supplementary Volume LXXXiv (2010. (
- 78.Duff. A, Trials And panishments ,cambridge: Cambridge univesity Press 1986.
- 79.Michalowski ,R.j . Orde ,Law , crime:an introduction to crimilogy, Newyork , random Hous, 1985.